

# انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۷۳

جمعه ۲۹ تیر ۱۳۹۶، ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۸

## در نقد

### سناریوهای پست مدرنیستی برای آینده ایران

حمید تقوایی

در خبرها بود که ائتلافی تحت نام "شورای دموکراسی خواهان ایران" هفته گذشته دومین کنفرانس خود را در شهر کلن المان برگزار کرده است. نگاهی به ترکیب شرکت کنندگان و بیانیه پایانی کنفرانس نشان میدهد که ما با چه نوع "دموکراسی خواهی" ای طرف هستیم. حزب کومله کردستان ایران، حزب تضامن دموکراتیک اهواز، کانون فرهنگی سیاسی آذربایجان، حزب دمکرات کردستان، حزب مردم بلوچستان، کانون فرهنگی سیاسی ترکمن، جبهه متحد بلوچستان، حزب اتحاد لرستان و کهگیلویه و بویراحمد و سازمانها دیگری از این قبیل دورهم جمع شده اند تا در مورد دموکراسی در کشور "کثیرالملله" ایران بحث و گفتگو کنند. تا اعلام کنند:

"برای اولین بار در تاریخ گروههای سیاسی سراسری در ایران، هویت اتنیک های ایران که در ملیتها و اقوام برجسته میشود" را به رسمیت میشناسند و خواهان حقوق برابر ملیتها اقوام در یک حکومت فدرال هستند. این نسخه ای برای "دموکراسی" - با هر تعبیر و تعریفی از آن - نیست، بلکه سناریوی موزائیکی کردن جامعه و دامن زدن به کشمکشهای اتنیک و ملی - قومی - مذهبی است. سناریویی که نتایج فاجعه بار آنرا در عراق و افغانستان و سوریه امروز به عیان مشاهده میکنیم.

### دموکراسی از انقلاب کبیر فرانسه تا نظم نوین جهانی

"دموکراسی" هیچگاه، حتی در دوره انقلاب کبیر فرانسه و در بنو شکلگیری دولت-ملتها و در مقابله بورژوازی جوان اروپا با حکومتهای قرون وسطائی، متضمن آزادی افراد جامعه حتی به معنی حقوقی کلمه نبوده است. بعنوان نمونه حق رای پنجاه در صد جامعه، یعنی زنان، در آمریکا و بریتانیا و بسیاری از کشورهای دیگر اروپائی تنها بعد از انقلاب اکتبر و تحت تاثیر آن انقلاب برسمیت شناخته شد. (فرانسه، مهد انقلاب کبیر و خاستگاه جامعه مدنی، نهایتا در سال ۱۹۴۴ حق رای زنان را برسمیت شناخت). در تمام دوران جنگ سرد نیز "دموکراسی" پرچم مقابله با کمونیسم و اردوگاه شوروی بود. نام دیگری بود برای نه تنها اردوگاه غرب در برابر شرق، بلکه برای سرکوب جنبش و سازمانهای چپ و کمونیستی و هر فریاد اعتراض حق طلبانه و آزادیخواهانه مردم علیه سلطه سرمایه در هرجا. وحشی ترین دیکتاتورهای، از پینوشه تا شاه ایران و تا همه خونتاهای نظامی در آمریکای لاتین و رئیس جمهورهای مادام العمر در آفریقا و آسیا، جزئی از "دموکراسی" محسوب میشدند.

از دهه های آخر قرن گذشته و مشخصا بعد از سقوط شوروی

صفحه ۲

# کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۴

## بازتاب هفته

- \* باتلاق سوریه - کاظم نیکخواه
- \* جمهوری یهودی اسرائیل - کاظم نیکخواه
- \* مدارس فاجعه - کاظم نیکخواه

صفحه ۳

## اعتصابات و تجمعات سراسری در راهند

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری

صفحه ۶

## نه به رژیم اعدام جمهوری اسلامی!

## اعدام قتل عمد دولتی است!

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی  
کمیته بین المللی علیه اعدام

صفحه ۴

## در محکومیت ترور فعال سیاسی اقبال مرادی

کمیته بین المللی علیه اعدام

صفحه ۶





دموکراسی خواهی قومی- مذهبی انتیکی دوره نظم نوین جهانی است. یکبار دیگر به اسامی گروههای شرکت کننده در کنفرانس کذائی کلن نظری بیاندازید. نفس این اسامی با پسوند کرد و بلوچ و ترکمن و لر و بویر احمد و کهگیلویه و غیره نشان میدهد که ما به چه نوع معجونی مواجه هستیم. ملقمه ای از نیروهای انتیکی که هر يك بدنبال سهمی در قدرت سیاسی در کشور "کشیرالملله" ایران هستند و نام این سهم خواهی را بنا به مد امروز "دموکراسی" گذاشته اند. در تحولات سیاسی قرن گذشته، از انقلاب مشروطه تا انقلاب ۵۷، نیروها و احزاب مدعی دموکراسی تحت نام مشروطیت و آزادی و استقلال و عدالت و رهائی کل ملت و عناوینی از این قبیل مبارزه و فعالیت میکردند. و در مقابل نیروهای ارتجاعی مدافع وضع موجود، از مشروطه چی ها تا خمینی، به مذهب و قومیت و قبایل و عشایر متکی میشدند. امروز این انتیک زدگی از انحصار دیکتاتورهای حاکم درآمد است. دموکراسی در اپوزیسیون هم با همین پرچم قومی- مذهبی نمایندگی میشود. این اوج گنبدیگی بورژوازی در قدرت و در اپوزیسیون هر دو است.

سیاست مبتنی بر دفاع از منافع گروههای اجتماعی مختلف مانند زنان و همجنس گرایان و سیاهپوستان و غیره Identity Politics یا سیاست هویتی نامیده میشود. هویت زنان و سیاهپوستان و یا همجنسگرایان هویتی عینی و واقعی است و از این رو سیاست هویتی در این موارد میتواند کاملا برحق و قابل دفاع باشد. اما نیروهای که هویتهای اکتسابی و ساختگی نظیر ملیت و قومیت و مذهب و نژاد و غیره را مبنای سیاست خود قرار میدهند هیچ حقانیت و مشروعیت و ترقیخواهی ای نمیتوانند داشته باشند. نفس موجودیت آنها نشان عقب نشینی از هر نوع تمدن و مدنیت عصر حاضر و حتی از همان "دموکراسی" ای است که مدعی آن هستند. معرفی جامعه ایران بعنوان کشوری "کشیر الملله" با اقوام کرد و فارس و عرب و بلوچ و ترک و ترکمن و اخیرا لك و غیره مستقل از هر نیت مدافعینش، عقب نشینی از جامعه مدنی - که صد سال قبل انقلاب مشروطه پرچم آنرا بلند کرد- به جوامع ملوک الطوائفی قرون وسطانی است. اسم امروزی این حکومت ملوک الطوائفی فدرالیسم است.

### دموکراسی قومی و فدرالیسم

نیروهای قومی انتیکی در ایران خوهان فدرالیسم هستند. آنها سیستم فدرالی را متضمن دموکراسی و برابری اقوام و اتنیک گروهها - که بعنوان نماینده خودگمارده آنان صحبت میکنند- در کشور "کشیر الملله" ایران میدانند. فدرالیسم نیز در شرایط امروز معنای متفاوتی از فدرالیسم در دوره های گذشته - مثلا زمان شکل گیری جمهوری فدرال سوئیس یا ایالات متحده آمریکا یا آلمان فدرال- یافته است. در دوران گذشته فدرالیسم تلاشی بود برای شکل گرفتن جوامع و یا ملل بزرگتر با بهم پیوستگی و اتحاد داوطلبانه و جوامع کوچکتر ملی و قومی.

## در نقد سناریوهای پست مدرنیستی ...

از صفحه ۱

"دموکراسی" معنا و کاربرد ارتجاعی تازه ای پیدا کرد. این دوره افسارگسیختگی سرمایه داری بازار آزاد و صدور "دموکراسی" با تهاجم نظامی و با بمب و موشک به عراق و افغانستان بود. از لحاظ مضمون نیز دموکراسی رسما معنای ارتجاعی تازه ای پیدا کرد: برجسته کردن هویتهای قومی- مذهبی و ایجاد نوعی تعادل و بالانس سیاسی- اجتماعی بین اقوام و اتنیکها و ملیتهای مختلف در يك جامعه. این آخرین تیر خلاص بود نه تنها به هر نوع توهمی به دموکراسی و ربط آن به آزادی، بلکه به کل مدنیت و جوامع مدنی.

از لحاظ نظری این نوع دموکراسی قومی- مذهبی در پست مدرنیسم و مالتی کالچرالیسم ریشه داشت. جامعه مدنی لاقبل در تئوری بر مقوله شهروندی و يك نفر يك رای مبتنی است. رهبران فکری عصر روشنگری و انقلاب کبیر فرانسه در نقد و در نقطه مقابل جوامع قومی- مذهبی- عشیرتی دوران فئودالیته، از جامعه مدنی و دولت- ملت بر مبنای برسمیت شناسی حقوق شهروندی همه افراد جامعه (اگرچه همانطور که اشاره شد منهای زنان)، مستقل از مذهب و قومیت و نژاد دفاع میکردند. پست مدرنیسم از همه این مبانی نظری و فکری عقب نشست و هویتهای مذهبی، قومی، قبیله ای و اتنیک را مبنای تعریف جامعه و دولت قرار داد.

### ریشه های پست مدرنیسم و دموکراسی اتنیک

از نظر سیاسی و اجتماعی این سیر قهرقرائی از مدنیت بورژوازی به توحش قرون وسطانی از دو واقعیت ناشی میشود: اول سلطه سرمایه به سراسر جهان و برچیده شدن نظامهای ماقبل سرمایه داری از سراسر دنیا و دوم منافع و اهداف بورژوازی جهانی در دوره پسا جنگ سرد.

جنبه اول توضیح دهنده اقتصاد سیاسی پست مدرنیسم است. تا زمانی که هنوز در بخشهایی از دنیا بویژه در کشورهای آسیائی و افریقائی و باصطلاح در جهان سوم - جوامعی مانند ایران قبل از اصلاحات ارضی- نظامهای فئودالی و نیمه فئودالی حاکم بود سرمایه داری غرب به الگوی واحد و جهانشمولی با عنوان و لوای پیشرفت و ترقی و مدنیت نیاز داشت. بورژوازی ناگزیر بود برای فتح بازارهای جدید کار و سرمایه در اقصی نقاط جهان، ارزشهای فرهنگی- اجتماعی غرب را در جهان اشاعه دهد. برای صدور کالا و سرمایه، می بایست ابتدا فلسفه سیاسی و ارزشهای جامعه مدنی صادر میشد. مبیایست در برابر نظامهای فئودالی و نیمه فئودالی در کشورهای جهان سومی خوشبختی و آزادی و رهائی، با پیروی از الگوی غرب و ارزشهای مبتنی بر مدنیت و جامعه مدنی و دموکراسی به معنای انقلاب کبیری کلمه، تعریف و تداعی میشد. اما وقتی از نیمه قرن گذشته سرمایه همه دنیا را در بر گرفت و وضعیت توده مردم در کشورهای جهان سومی تازه به سرمایه داری پیوسته حتی از گذشته بدتر شد، دیگر بلند کردن پرچم تمدن غربی برای بورژوازی نه ضروری بود و نه مطلوبیتی داشت.

این مقعطی است که دکترین پست مدرنیسم و نسبیت فرهنگی در فلسفه سیاسی بورژوازی غرب برجسته میشود و دست بالا پیدا میکند. پست مدرنیسم دکترین و فلسفه سیاسی اجتماعی بورژوازی جهانی در دوره سلطه کامل بر همه جهان است. بورژوازی ای که دیگر در هیچ نقطه ای از جهان با نظامهای ماقبل سرمایه داری مواجه نیست و لذا به صدور فلسفه و ارزشهای فرهنگی خود نیازی ندارد. بلکه برعکس برای حفظ

سلطه خود ناگزیرست تمدن و خوشبختی و رهائی را نسبی، منطقه ای و لذا قومی- مذهبی- اتنیک تعریف و تبلیغ کند. دفاع بورژوازی از تمدن و مدنیت بخاطر فراهم کردن شرایط برای صدور کالا و سرمایه بود و حال که این هدف حاصل شده، حال که همه جوامع کاپیتالیستی شده اند و از تمدن و خوشبختی و رهائی خبری نیست، می بایست تمدن و توقع و انتظار مردم از آزادی و خوشبختی را به سطح آداب و رسوم و فرهنگهای محلی شان تنزل داد. مدرنیسم برای جهانی کردن نظام اقتصادی سرمایه داری، نقد و ضدیت با فرهنگ و ارزشهای قرون وسطانی را اشاعه میداد و پست مدرنیسم برای حفظ سلطه سرمایه بر همه کشورها از فرهنگ و ارزشهای قرون وسطانی دفاع میکند. پست مدرنیسم تاکید مجدد و غیر قابل انکار این واقعیت است که پرچم دفاع از مدنیت، آزادی، خوشبختی و ارزشهای جهانشمول انسانی تماما در دست طبقه کارگر قرار گرفته است.

عامل دوم در دست بالا پیدا کردن پست مدرنیسم شرایط سیاسی جهانی پس از فروپاشی شوروی است. بورژوازی کمپ غرب با فروریختن دیوار برلین تهاجم وحشیانه خود را نه تنها علیه کمونیسم و سوسیالیسم بلکه علیه کل آرمان آزادی خواهی و برابری طلبی آغاز کرد. نیروهای هم جبهه و همزرم و ابزار اصلی بورژوازی در این جنگ صلیبی علیه بشریت و وحشی ترین و ارتجاعی ترین نیروها و جنبشهای مذهبی- قومی- ملی - قبیله ای بودند. از یوگسلاوی تا جمهوریهای آسیائی شوروی سابق و تا کشورهای اسلامزده خاورمیانه و شمال آفریقا عرصه تاخت و تاز این نیروها شد و بدین ترتیب پست مدرنیسم میدان تازه ای برای عرض اندام سیاسی و عملی پیدا کرد.

فجایعی که در این دوره رخ داد، از جنگ برادرکشی در یوگسلاوی، تا نسل کشی در رواندا و تا سرکند کردن جنبش مافوق ارتجاعی اسلام سیاسی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا همه نتیجه مستقیم و غیر مستقیم "نظم نوین جهانی" بود و این نظم نوین از نظر فکری و استراتژیک با پست مدرنیسم توجیه میشد. از نظر اقتصادی پست مدرنیسم در این دوره تئوری منطق بر مکتب شیکاگو و فریدمنیسم بود. یعنی مکتب افسارگسیختگی مطلق سرمایه، واگذاری همه چیز به مکانیسم بازار، زدن از خدمات اجتماعی و ریاضت کشی اقتصادی برای همه کشورها. نظریه ای که از دوره تاجر و ریگان به سیاستهای دولتی ترجمه شده و پس از فروپاشی دیوار برلین به بیکه تاز مطلق العنان در همه کشورها تبدیل شده بود.

در این دوره است که حتی در حرف و نظر مقوله جامعه مدنی و اصل شهروندی و اصل يك نفر يك رای گنار گذاشته میشود و جای خود را به ملقمه ای از موزائیکهای ملی- قومی- مذهبی در جامعه و در دولت میدهد. نمونه عراق با توزیع ساختاری و از پیش قدرت بین کردها و سنی ها و شیعه ها يك نمونه فجیع دموکراسی پست مدرنیستی است. افسارگسیختگی تروریسم اسلامی و جریانات مختلف اسلام سیاسی حتی در کشورهای اروپائی نمونه دیگری است. تا زمانی که کمپ شوروی وجود داشت اردوگاه غرب با دیکتاتوری هائی ضد کمونیستی از دموکراسی پاسداری میکرد و بعد از فروپاشی شوروی با برجسته کردن هویت اتنیک (مذهبی- قومی- ملی- نژادی) اعضای جامعه و شرکت سران آنان در حاکمیت. این قعر توحش و ارتجاع بورژوازی عصر ما است.

### "دموکراسی" خواهان وطنی چه میخواهند؟

تحركات دموکراسی خواهان وطنی را باید در متن این شرایط نظم نوینی بررسی کرد. این دموکراسی خواهی عصر مشروطه و یا جنبش دهه سی در ایران دوره مصدق نیست، این

## جمهوری یهودی اسرائیل

### کاظم نیکخواه

غیر یهودی آن بعنوان شهروندان درجه دوم از برخی از حقوق برابر شهروندی خود محروم میشوند. این کشور اکنون خود را جمهوری یهودی اسرائیل اعلام میکند نظیر جمهوری اسلامی ایران. تاکنون اسرائیل میتوانست به خود ببالد که دموکراتیک ترین سیستم حکومتی و بیشترین آزادی مطبوعات و بالاترین شاخص توسعه انسانی را در منطقه خاورمیانه دارد و از کشورهای اسلام زده عربی و ایران سیستم آزادتری دارد. اما حاکمیت فاشیسم اسرائیل و یهودی به این رویا و تلقی نیز امروز پایان داد و قانونی را که بسیاری از فعالان حقوق انسانی آنرا قانون "آپارتاید" مینامند تصویب کرد.

تصویب این قانون بزرگترش بیشتر جنگهای مذهبی و قومی را در منطقه میکارد که فی الحال نیز در حد فاجعه ای جریان دارد. این قانون رسماً به نیروهای دست راستی اسرائیل و جریانات اسلامی خوراک میدهد که با اتکا به آن نفرت و کینه قومی و مذهبی را بیشتر دامن بزنند و مردم محروم هردو سورا قربانی سیاستهای ضد انسانی نمایند.

باید امیدوار بود که وجود طیف وسیعی نیروهای مردمی و ضد نژادی و ضد مذهبی و سکولار در اسرائیل و در منطقه خاورمیانه به این روند اسفناک و خونین پایان دهند و اتحاد و همبستگی مردم محروم همه کشورها را علیه رنج سیاستهای فاشیستی و مذهبی راستها تقویت نمایند.

این مدارس قرآن و خزعبلات اسلامی به نحو فعال و وسیعی تدریس شود بیشتر هزینه میکند تا ایمن سازی مدارس و تضمین امنیت جان کودکان. این کودکان در واقع از دو سو در معرض تخریب قرار دارند. هم از نظر روحی و معنوی و هم از نظر فیزیکی. فاجعه شین آباد را جلوی چشم بیاوریم و جنبش دفاع از کودکانمان

اسرائیل در تلقی عمومی همیشه بعنوان موطن یهودیان تلقی میشده است اما حکومتش قانوناً يك حکومت مذهبی نبود. از امروز این نیز تغییر میکند و دین یهود و قومیت یهود جزو موجودیت کشور اسرائیل تعریف میشود. بنا به قانونی که امروز در کنست اسرائیل با اکثریت ۶۶ بر ۵۵ رای تصویب شد از امروز اسرائیل يك کشور یهودی اعلام میشود. این قانون میگوید فقط یهودیان در اسرائیل "حق تعیین سرنوشت خویش" را دارند، اسرائیل موطن یهودیان است و کل اورشلیم شامل دو قسمت شرقی و غربی آن پایتخت جمهوری یهودی اسرائیل محسوب میشود. بحثهای داغی در کنست در مورد این قانون صورت گرفت و شمار زیادی از نمایندگان حزب کارگر و لیکود با آن مخالفت کردند و آنرا بعنوان يك قانون آپارتاید و نژادپرستی محکوم کردند اما نهایتاً با اکثریت ۶۶ رای به ۵۵ رای تصویب شد.

دولت و سیستم حکومتی اسرائیل تاکنون نیز عملاً تبعیضات زیادی را علیه مردم غیر یهودی و بویژه مسلمانان و فلسطینیان اعمال میکرده است. اما رسماً و روی کاغذ همه شهروندان آن از حقوق برابری برخوردار بوده اند. اما با این قانون سیستم حکومتی آن رسماً در ردیف همه حکومتهای مذهبی و قومی سقوط میکنند. مذهب و حتی قومیت یهودی جزئی از سیستم دولتی و آموزشی آن تلقی میشود. حدود دو میلیون شهروند

## بازتاب هفته

(زیر نظر کاظم نیکخواه)

### باتلاق سوریه

### کاظم نیکخواه

تاکنون جمهوری اسلامی ادعا میکرد که در سوریه حضور نظامی ندارد و فقط تعدادی مستشار نظامی دارد. اما علی اکبر ولایتی مشاور خامنه ای در مسکو این ادعا را فراموش کرد و دو روز پیش در اندیشکده والدای "در مسکو گفت حضور (نظامی) ایران در سوریه ادامه خواهد داشت. معتقدم اگر ما این کشور را ترک کنیم، و روسیه هم بعد از ما سوریه را ترک کند، همان تروریستهای قبلی دوباره به منطقه باز می گردند و دمشق و دولت سوریه دوباره در وضعیت خطرناک قرار خواهند گرفت." «روزنامه دولتی الوطن متعلق به بستگان بشار اسد در پاسخ به ولایتی فوراً نوشت "ولایتی در نقش ایران مبالغه می کند. نجات سوریه کار خودمان بود نه ایرانیها! مگر می توان با اعزام مستشار جلوی سقوط را گرفت؟ مستشار فقط نقش نظری دارد نه بیشتر!"

همه چیز حکایت از این دارد که جمهوری اسلامی در سوریه به هچل جدی افتاده است. حکومت آشکارا زیر فشار است که پاسدارانش را از این کشور بیرون بکشد. تا مدتی پیش فقط دولت آمریکا و اسرائیل بودند که فشار می آوردند که جمهوری اسلامی نیروهایش را از سوریه خارج کند. اکنون روسیه و رژیم اسد هم به این فشارها اضافه

شده اند. پوتین چندی پیش گفت تمام نیروهای خارجی باید سوریه را ترك كنند و از گفتن این نکته در واقع منظورش جمهوری اسلامی بود که حضور آشکاری در سوریه دارد. بشار اسد هم چند هفته پیش به نقش ارتش روسیه و ارتش سوریه در نجات رژیمش اشاره کرد اما اشاره ای به جمهوری اسلامی نکرد. و این به حکومت اسلامی بسیار گران آمد و کیهان شریعتمداری آنرا مورد حمله قرار داد. هفته گذشته ولایتی نماینده ویژه خامنه ای به روسیه رفت تا بلکه معضل حکومتش در سوریه را راست و ریست کند. اما معلوم است که موفق نبوده است. جنایات پاسداران حکومت اسلامی در کنار رژیم اسد و حزب الله لبنان و کل جریانات آدمکش و تروریست علیه مردم سوریه بعنوان فصلی از توحش و جنایت در تاریخ این کشور و کل بشریت ثبت خواهد شد.



آتش زدن عکس خمینی در بصره

### مدارس فاجعه

مدیرکل اداره نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس آذربایجان شرقی از وجود ۷۵۰۰ مدرسه در آذربایجان شرقی خبر میدهد که به گفته او عمر مفیدشان را از دست داده اند و فرسوده هستند. به گزارش خبرگزاری دولتی ایرنا محمدرضا عیدی اشاره کرد که از ۱۰ هزار ۲۰۰ کلاس درس در استان آذربایجان شرقی ۶۲۰۰ کلاس نیمه

مستحکم و نیازمند مقاوم سازی هستند. همه میدانیم که فقط آذربایجان شرقی نیست که مدارس آن این وضعیت فاجعه آمیز را دارند. در سراسر ایران هزاران مدرسه که چند میلیون کودک در آنها درس میخوانند، در وضعیتی خطرناک و فاجعه آمیز قرار دارند. جمهوری اسلامی برای اینکه در

### کاظم نیکخواه

کودکان شین آباد را همه مردم ایران میشناسند. مدرسه ای که بخاری نفتی اش در سال ۱۳۹۱ آتش گرفت و باعث مرگ دو دانش آموز و سوختگی شدید ۲۷ تن از آنان شد. این کودکان و خانواده هایشان همچنان از این فاجعه شدیداً رنج میبرند. فاجعه شین آباد تنها فاجعه از این دست نیست. اکنون



## کارگران در هفته ای که گذشت

### شهادت دانشفر

چالش به آتش کشیدن فیش های حقوقی از جانب معلمان شاغل و بازنشسته، فراخوان بازنشستگان به تجمعی سراسری در مقابل مجلس اسلامی، دور جدیدی از اعتصابات سراسری کارگری از جمله سرتیترهای مهم اخبار اعتراضات کارگری در این هفته است که انعکاسی از فضای پر التهاب محیط های کارگری و کل جامعه است.

### چالش به آتش کشیدن فیش های حقوقی

چالش به آتش کشیدن فیش های حقوقی، کارزاری است که اخیراً از سوی معلمان شاغل و بازنشسته در اعتراض به حقوقهای زیر خط فقر به راه افتاده است. معلمان که سالهاست با اشکال مختلف و در سطح سراسری اعتراض خود را به تبعیض ها و حقوقهای نجومی مقامات حکومتی و به سطح بسیار نازل و چند بار زیر خط فقر بودن حقوقهای خود و اختلاس ها و دزدی ها اعلام داشته اند، در روزهای اخیر با فیش های حقوقی مبنی بر افزایش تنها ۶ تا ۱۰ درصدی حقوقها برای سال جاری روبرو شدند. البته طبق روال می بایست این احکام در فروردین ماه داده میشد و تعویق آن به زمزمه های اعتراض دامن زده بود. در اعلام این تصمیم تاخیر کردند تا در این ایام تعطیل مدارس، راحت تر بتوانند جلوی اعتراضات معلمان بایستند. اما با اعلامش به این صورت، موجی از خشم و نفرت در میان معلمان دامن زده شد. معلمان با کارزار به آتش کشیدن و پاره کردن فیش های حقوقی شان جواب این گستاخی حکومت را میدهند.

در این کارزار معلمان شاغل و بازنشسته از شهرهای مختلف، با اسم و رسم خود در مقابل دوربین قرار گرفته و با گفتن اینکه این فیش های حقوقی حق ما نیست، حق ما داشتن یک زندگی انسانی است، ما به این تحقیر آشکار تن نخواهیم داد، فیش های حقوقی خود را به آتش کشیده و تمامی

همکارانشان را در سراسر ایران به این چالش فرا میخوانند. این کار در شیراز در روز بیست و چهارم تیرماه طی تجمعی اعتراضی از سوی معلمان و بصورت جمعی صورت گرفت. کلیپ های اعتراضی معلمان در این کارزار تا هم اکنون سرو صدای زیادی به پا کرده و به موضوع داغ بحث در گروههای تلگرام تبدیل شده است.

معلمان در تجمعات اعتراضی پی در پی خود بارها با شعارهایی چون خط فقر ۴ میلیون، حقوق ما یک میلیون اعتراض خود را به حقوقهای چند بار زیر خط فقر اعلام کرده اند. افزایش ۶ تا ۱۰ درصدی حقوق آنها در سال جاری آنها با افزایش سرسام آور نرخ ارز و سقوط بیسابقه ارزش ریال، یک تصمیم جنایتکارانه در قبال زندگی و معیشت جمعیت میلیونی معلمان شاغل و بازنشسته است. در پاسخ به این تصمیم بیشرمانه معلمان با ابتکار جالب "چالش آتش زدن فیش های حقوقی" به میدان آمده و اعلام کرده اند که اجازه نمیدهند که باز هم زندگی و معیشتشان مورد حمله و چپاول قرار گیرد و به ادامه اینهمه فقر و بی تامينی تن نخواهند داد. کارزار به آتش کشیدن فیش های حقوقی که در مدیای اجتماعی شکل گرفته است، یک ابتکار جالب مبارزاتی از سوی معلمان است که رو به جامعه اعلام شده و اولتیماتومی به حکومت است.

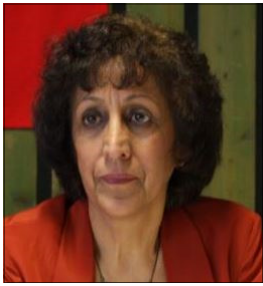
معلمان یک بخش معترض و پیشرو جامعه هستند که با مبارزاتشان در یک دهه اخیر الگوهای خوبی از اعتراض را بدست داده اند. چالش به آتش کشیدن فیش های حقوقی نمونه اخیر آنست. معلمان با مبارزاتشان در طول تمام این سالها توانسته اند ممکن بودن بر پای تجمعات و اعتصابات بزرگ سراسری را عملاً در برابر چشم جامعه قرار دهند. معلمان در اعتراضاتشان با شعارهایی چون خط فقر ۴ میلیون، حقوق ما یک میلیون، حقوقهای نجومی، فلاکت عمومی، یک اختلاس کم بوشه، مشکل ما حل میشه، بیمه کارآمد درمان رایگان است، تحصیل رایگان برای همگان، معیشت،

منزلت، حق مسلم ماست، پلانتفرم مطالباتی خوبی در برابر جامعه قرار داده و خواستههای خود را اعلام داشته اند. امروز نیز معلمان با چالش به آتش کشیدن فیش های حقوق اعتراض کل جامعه را علیه زندگی زیر خط فقر نمایندگی میکنند.

کارزار معلمان در مقطع سیاسی امروز که کل جامعه در التهاب مبارزه میسوزد و مردم با قیامهای شهری خود به میدان می آیند، جایگاه مهمتری پیدا میکند. از جمله این کارزار بار دیگر به گفتمان بر سر خواست سراسری افزایش دستمزد ها به بالای خط فقر و اعتراض علیه فاصله عمیق طبقاتی در جامعه و حقوقهای نجومی و دزدی ها و بچاپ بچاپ های حکومتیان که موضوع اعتراض کل جامعه است، وسیعاً دامن زده است. این کارزار اعتراض سراسری علیه دستمزدهای زیر خط فقر و برای داشتن یک زندگی انسانی را به جلو آورده است. این کارزار به همه کارگران و بخش های مختلف جامعه راه نشان میدهد. وسیعاً به این کارزار بپیوندیم. از خواست معلمان و اعتراض آنان حمایت کنیم. خصوصاً اینکه به آتش کشیدن فیش های حقوقی در تجمعات اعتراضی، همان کاری که معلمان در شیراز کردند، یک ابتکار جالب در اعتراض علیه فقر است، نظیر این حرکت را میتوان در تمام شهرها به راه انداخت. جالب توجه اینجاست که بازنشستگان برای تجمع سراسری روز ۳۱ مرداد تدارک می بینند و یکی از موضوعات اعتراض در تجمع آنان اعتراض به همین موضوع خواهد بود. وسیعاً اطلاع رسانی کنیم.

### فراخوان بازنشستگان به تجمع سراسری در مقابل مجلس

بازنشستگان برای ساعت ده صبح روز سی و یکم تیرماه و برای پیگیری خواستههایشان به تجمع در مقابل مجلس فراخوان داده اند. بازنشستگان مثل همیشه با پوستهای زیبایی که با نوشتن شعارهایشان بر روی خواستههایشان



را اعلام کرده اند و با اعلام حضورشان تحت عنوان "همه می آیم" به گفته خود در تدارک برپایی یک تجمع "عظیم" سراسری هستند. وسیعاً اطلاع رسانی کنیم. در شرایطی که جامعه علیه فقر و تبعیض و نابرابری به پا خاسته و حق داشتن زندگی ای انسانی را فریاد میزند، در شرایطی که مردم هر روز در این شهر و آن شهر بر سر مسائل پایه ای معیشتی شان بیبا خاسته و چشم اندازی از قیامهای شهری را در مقابل خود داریم، تجمعات سراسری کارگری و اعتصابات سراسری آنان نقش مهمی در تعمیق این مبارزات و متحد شدن کارگران و کل مردم حول خواستههای سراسری شان دارد. بازنشستگان با مبارزاتشان در سالهای اخیر و با شعارهای اعتراضی شان علیه فقر، علیه تبعیض و نابرابری و علیه بساط دزد سالار حاکم، اعتراض کل جامعه را به توحش سرمایه داری حاکم اعلام کرده اند، مبارزات و خواستههای بازنشستگان شایسته بیشترین حمایت هاست.

### کارگران بسوی اعتصابات سراسری

اولتیماتم سه هزار مهماندار، و کارگر برقکار و تعمیر کار راه آهن در اعتراض به اخراج خود از کار،

## نه به رژیم اعدام جمهوری اسلامی! اعدام قتل عمد دولتی است!

مخالفین اعدام را دعوت میکنیم که در چالش آتش زدن طنابهای دار وسیعاً شرکت کنید و از جوار خود را از جمهوری اسلامی اعدام و این مجازات شنیع و ضد انسانی نشان دهید.

روز شنبه ۲۱ ماه جولای در شهر کلن آلمان و در سراسر جهان در مخالفت با اعدام و برای متوقف کردن ماشین آدمکشی جمهوری اسلامی و در اعتراض به حکم اعدام رامین حسین پناهی طناب های دار را آتش بزنید.

ما همه شما مردم آزادیخواه و

برای پایان بخشیدن به قتل عمد دولتی، برای پایان دادن به اعدامها در ایران و برای نجات جان رامین حسین پناهی ها، طنابهای دار را آتش بزنید.

روز شنبه ۲۱ ماه جولای در شهر کلن آلمان و در سراسر جهان در مخالفت با اعدام و برای متوقف کردن ماشین آدمکشی جمهوری اسلامی و در اعتراض به حکم اعدام رامین حسین پناهی طناب های دار را آتش بزنیم.

## در نقد سناریوهای پست مدرنیستی ...

از صفحه ۲

امروزه برعکس است. فدرالیسم نسخه‌ای برای تقسیم‌بندی و قطعه‌قطعه کردن انتیکی جوامع فی الحال موجود و نهایتاً، مانند مورد یوگسلاوی، نسخه‌ای از هم‌پاشاندن آنها است. فدرالیسم نیز مانند دموکراسی دیگر هیچ رابطه‌ای با دولت-ملت سازی های دوره جوانی بورژوازی ندارد بلکه طرحی کاملاً ارتجاعی و در خدمت سیر قهرانی به نظام‌های قرون وسطائی است.

تا آنجا که به شرایط مشخص ایران مربوط میشود فدرالیسم شکل شرمگینانه طرح خودمختاری از جانب جریان‌های ناسیونالیست فرودست از جمله و مشخصاً ناسیونالیسم کرد است. این سناریوی است برای سهم‌شدن این جریان‌ها در قدرت محلی بی آنکه مشخصاً از حق جدائی- که برای نه تنها ناسیونالیسم فارس بلکه همه جریان‌های ناسیونالیستی قومی در ایران یک تابو محسوب میشود- و خودمختاری کردستان - که مساله را صرفاً به یک منطقه محدود میکند و ناسیونالیسم فارس را بیاد تجزیه طلبی می‌اندازد- صحبتی بمیان آورده شود. ناسیونالیسم کرد می‌خواهد بقیه را شریک کند تا قدرت و حکومت محلی اش یک توجیه ظاهرالصلاح سراسری پیدا کند. برای همه ملیتها و اقوام- از خلق ترک و ترکمن و بلوچ تا هویت تازه کشف شده لکستان و کهگیلویه و بویر احمد- نسخه می‌پیچد تا خودش به قدرت محلی دست پیدا کند. خودمختاری برای کردستان جای خود را به فدرالیسم برای ایران میدهد که هم ظاهری امروزی تر و مدرن تر دارد، هم ملهم از دولت اقلیمی در کردستان عراق است و هم مهمتر از همه با استراتژی پست مدرنیستی دولت آمریکا مبتنی بر سر هم کردن جوامع موزائیکی بویژه در خاورمیانه خوانائی دارد. جریان‌های ناسیونالیست فارس هم میتوانند با خیال فارغ در سیمینارها و کنفرانسهای و انتالفاها حول جامعه فدرالی در ایران کثیر الملله شرکت کنند و نگران به خطر افتادن تمامیت ارضی و تجزیه طلبی و خودسری "مرزبانان غیور" نباشند.

کل این بازی در چهارچوب استراتژی پسا جنگ سردی بورژوازی آمریکا و همپیمانانش صورت میگردد.

## دموکراسی خواهی بر متن سیاستهای بورژوازی غرب

احزاب و نیروهای راست ام از سلطت طلبها و مجاهدین و احزاب کرد و بلوچ و ترکمن و دیگر احزاب با هویت انتیکی، همیشه برای رسیدن به اهدافشان به دولت‌های غربی و مشخصاً دولت آمریکا متکی بوده‌اند. تلاش آنها برای سهم‌شدن در قدرت با سیاستهای غرب در هر مقطع، از سناریوهای رژیم چنچی تا استراتژی بحران آفرینی در مرزها و تا شرکت در صفتبندیها و بلوکندهیهای منطقه‌ای، منطبق بوده است و همیشه تلاش کرده‌اند در این چهارچوب سیاستهای منطقه‌ای غرب، در سیاست امروز و فردای ایران محلی از اعراب پیدا کنند.

طیف نیروهای سلطنت-جمهوریخواه، مجاهدین و نیروهای انتیکی هر یک به شیوه خود این هدف را دنبال میکنند اما فضل مشترک همه آنها جلب نظر و حمایت دولت‌های غربی و بویژه آمریکا است. اهمیت دموکراسی پناهی، حقوق بشر، و فدرالیسم در سیاست و گفتن تبلیغی آنها بیش از آنکه به مضمون و معنی سیاسی این الفاظ مربوط باشد، به بازی در چارچوب مشروع و پذیرفته شده بوسیله قدرت‌های غربی مربوط میشود. دموکراسی اسم رمز تعلق آنها به کمپ غرب و آلترناتیو سازیهای مورد حمایت غرب است. دموکراسی به معنای امروزی پسا جنگ سردی و پست مدرنیستی کلمه.

این سیاستها و تلاشهای نیروهای راست بویژه در شرایط

امروز ایران که سقوط جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب مردم در چشم انداز قرار گرفته است، هر چه بیشتر با سناریوهای آلترناتیو سازی قدرت‌های غربی و مشخصاً دولت آمریکا خود را منطبق و همراه میکند. کنفرانس اخیر مجاهدین در پاریس، ملاقات مخفیانه "کاک مصطفی هجری" و "کاک عبدالله مهتدی" از چهره های ناسیونالیسم کرد با رضا پهلوی، و کنفرانس دموکراسی خواهان در کلن از جمله این تلاشها است. نیروهای - قومی مذهبی- ناسیونالیستی ماتریال مناسبی برای پیشبرد سیاستهای دول غربی بویژه در خاورمیانه است.

در رابطه با جمهوری اسلامی غرب همواره کوشیده است از این نیروها بعنوان یک اهرم اعمال فشار به جمهوری اسلامی و قرار دادن آن در چهارچوب سیاستهای منطقه ای خود سود بجوید. بخصوص تا آنجا که به موقعیت جریان‌های ناسیونالیستی کرد در منطقه مربوط میشود هم اکنون بخشی از آنها در کنار دولت آمریکا و متحدینش در سوریه و عراق و ترکیه قرار گرفته‌اند و بخشی دیگر به دولت اردوغان و جمهوری اسلامی نزدیک شده‌اند. این وضعیت سناریوی مشابهی را در رابطه با ایران و بدنبال فروپاشی و یا سرنگونی جمهوری اسلامی در برابر دولت آمریکا و نیروهای ناسیونالیست کرد قرار میدهد. استراتژیستهای آمریکا و متحدین ملی- قومی- مذهبی شان در ایران و منطقه این تصور را دارند که ایران پسا جمهوری اسلامی میتواند جامعه ای موزائیکی و حکومتی متشکل از نیروهای قومی- مذهبی انتیکی در یک کشور "کثیر الملله" باشد. این سناریو، برای دولت‌ها و جریان‌های بورژوازی راه حل دم دست و امتحان شده‌ای در مقابله با خطر چپ و قدرتیگری نیروهای کمونیست در تحولات جاری و در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی است و از این نقطه نظر برای بورژوازی محلی و منطقه‌ای بین المللی از مطلوبیت بالائی برخوردار است. اما آنچه از این نوع مناسبات و سناریوهای ارتجاعی غایب است ویژگی دیگر جامعه ایران یعنی حضور فعال و نفوذ اجتماعی کمونیسم کارگری است. ما اجازه نمیدهیم این نوع سناریوهای پست مدرنیستی در آینده ایران جانی داشته باشد.

## مردم چه میخواهند؟

مردم در سراسر ایران، خود را متعلق به هر قومیت و ملیت و مذهبی بدانند و یا به آنها الصاق شده باشد، خواهان خلاصی از شش جمهوری اسلامی و تحقق آزادی و برابری و رفاه برای همگان هستند. آخرین شاهد این مدعا جنبش سرنگونی طلبانه جاری است.

از دیماه ۹۶ تا به امروز جنبشی در ایران شکل گرفته و در حال تعمیق و گسترش و متعین شدن است که کل نظام و موجودیت جمهوری اسلامی را هدف تعرض مستقیم خود قرار داده است. در اولین برآمد این جنبش مردم در بیش از نود شهر با شعار جمهوری اسلامی نمیخواهیم به خیابانها ریختند و امروز همین شعار به خواست محوری خیزشهای شهری و جنگ و گریز مردم با نیروهای نظامی رژیم تبدیل شده است. فقر و بیکاری و گرانی، بیحقوقی زن، سلطه مذهب بر زندگی اجتماعی خصوصی مردم، دزدی و فساد مقامات، نابودی محیط زیست، قحطی آب، و زمین خواری و جنگل خواری و دستمزد خواری و هزار معضل اجتماعی دیگر فارس و کرد و عرب و ترک نمی شناسد. همه این مصائب زندگی همه مردم در کل جغرافیای سیاسی ایران را در چنگال خود میفشارد و به همین دلیل به یک جنبش همبسته و گسترده در سراسر ایران شکل داده است.

این جنبش سراسری از نظر مضمون خواستها و شعارها اساساً چپ و رادیکال است و هویتها و هویتسازی های ملی- قومی- مذهبی در این جنبش، و در کل جامعه ایران، هیچ

جایگاهی ندارد. از این نقطه نظر جامعه ایران با دیگر جوامع اسلامزده یک تفاوت اساسی و تعیین کننده دارد. در ایران ماتریال اصلی سناریوهای موزائیکی و حکومتها و جوامع مذهبی قومی قبیله‌ای، یعنی اسلام سیاسی، در حکومت است و ازینرو گرایش عمیق ضد مذهبی و خواست خلاصی از شر حکومتها و نیروهای مذهبی قومی قبیله‌ای یک گرایش گسترده و قوی در کل جامعه است. مدرنیسم، سکولاریسم و اتمه نیسم، موزیک و علم و هنر و فرهنگ پیشرو غربی و ارزشهای جهانشمول انسانی در آمل و خواستها و در اعتراضات توده مردم جایگاه برجسته ای دارد. چشم انداز و احتمال واقعی در فردای پس از جمهوری اسلامی نه سوریه ای یا عراقیته شدن ایران بلکه برعکس، ایرانیزه شدن سوریه و عراق است- ایران رها شده از بختک مذهب و حکومت اسلامی جنبش های سکولاریست ضد مذهبی و آزادیخواهانه را در کل منطقه دامن خواهد زد و تقویت خواهد کرد. خیزش ۸۸ الهام بخش انقلابات موسوم به بهار عرب بود و این بار انقلابی که میروند جمهوری اسلامی را سرنگون کند ضربه کاری و مهلکی به کل نیروهای و دولت‌های قومی- مذهبی در منطقه وارد خواهد کرد.

روشن است که در چنین شرایطی نیروهای انتیکی با پرچم دموکراسی نظم نوینی و فدرالیسم موزائیکی شان محلی از اعراب نخواهند داشت. تاکید بر هویت‌های انتیکی، کثیرالملله بودن جامعه، فدرالیسم، دموکراسی، تمامیت ارضی و غیره مشغله و گفتن نیروهای راست اپوزیسیون است و نه توده مردم. تا آنجا که به گرایش توده مردم مربوط میشود تجربه انقلاب ۵۷ بسیار گویا است. در آن انقلاب شوراهای همه جا در کارخانه و دانشگاه و حتی ادارات دولتی و ارتش شکل گرفت و همه مردم آزادی و رهایی را با شوراها تداعی میکردند و نه با پارلمان و دموکراسی پارلمانی. این امر امروز که دموکراسی پناهی تا سطح سازش و بند و بست بین نیروهای قومی تنزل کرده و جامعه بسیار چپ تر و رادیکال تر از قبل شده است به مراتب بیش از چهار دهه قبل صادق است.

با این همه نباید نسبت به تلاشهای نیروهای راست برای هویت سازی های انتیکی بی توجه بود. ناسیونالیسم و ملی گرایی ویروسی است که میتواند در شرایط مساعد فعال بشود و در عرض مدت کوتاهی در جامعه ای نظیر یوگسلاوی، که هر مشکلی داشت خصوصاًهای ملی- قومی- مذهبی جزء آن نبود، آن فاجعه دهشتناک و همسایه کشی خونبار را براه بیندازد. راه خنثی کردن این ویروس نقد و افشای پیگیر و عمیق ناسیونالیسم در هر شکل و هیاتی و تاکید بر ارزشها و آمل جهانشمول انسانی است. این یک اولویت حزب ما بویژه در این دوره است.

## برای رفع ستم ملی چه باید کرد؟

در این تردیدی نیست که ستم ملی و تبعیضات ملی- مذهبی در جامعه ایران بیداد میکند. اما راه حل رفع این ستمها و تبعیضات برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان است و نه هویت‌سازیها و برجسته کردن هویت‌های قومی و ملی و مذهبی. راه حل برسمیت شناسی حقوق کاملاً مساوی مستقل از هویتها و هویت تراشی های ملی قومی مذهبی و انتیکی همه افراد جامعه و یا برسمیت شناسی جدائی در شرایطی است که مساله ملی آفتدر حد شده باشد که همزیستی مسالمت آمیز شهروندان ممکن نباشد.

این تنها راه حل متمدانه و انسانی ستم و تبعیض ملی در ایران و در هر کشور دیگری در عصر حاضر است. سناریوهای دیگر، از فدرالیسم گرفته تا خودمختاری و خودگردانی، مستقل از نیت طرفداران این طرحها، تبعیض و ستم ملی را حل

## اعتصابات و تجمعات سراسری در راهند

### تجمع سراسری مهندسان و کارگران راه آهن

۳۰۰۰ مهندسان و کارگر برقکار و تعمیرکار راه آهن علیه اخراج خود التیماutom دادند که دست به تجمع سراسری میزنند. نزدیک به ۳۰۰۰ مهندسان و کارگر برقکار و تعمیرکار بنا به تصمیم مدیریت مبنی بر خارج کردن حدود ۴۰۰ واگن فرسوده از ناوگان حمل و نقل بیکار خواهند شد. در اعتراض علیه اخراج و بیکاری، مهندسان و ماموران فنی و پشتیبانی قطارها و کارگران برقکار و تعمیرکار راه آهن در صدد سازماندهی تجمعی سراسری در تهران هستند.

### اعتصاب سراسری کارگران خط و ابنیه راه آهن

روز ۲۳ تیر کارگران خط و ابنیه راه آهن در شهرهای مختلف بخاطر تعویق پرداخت ۴ ماه دستمزد و حق بیمه خود دست به اعتصاب زدند. بنا بر خبرها کارگران راه آهن زاگرس نیز فراخوان به تجمع در مقابل ساختمان مدیریت داده اند. کارگران در نواحی دیگر نیز در اعتراض به دریافت نکردن دستمزدهایشان در تدارک اعتصاب هستند.

هزاران نفر از کارکنان راه آهن از دو تا چندماه دستمزد معوقه دارند. حق بیمه آنها نیز پرداخت نشده و امنیت شغلی ندارند. کارگران به قراردادهای موقت کاری نیز اعتراض دارند. کارگران خط و ابنیه راه آهن که از طریق شرکتهای پیمانکاری و بطور عمده تراورس در راه آهن بکار اشتغال دارند، در ماههای اخیر چند اعتصاب سراسری سازمان داده اند. آخرین فراخوان برای اعتصاب در ۸ تیر بود.

در برابر این اعتراضات مسئولان راه آهن با تهدید و اخراج و وعده های توخالی تلاش کرده اند، صف اعتراض کارگران را پراکنده کنند. از جمله به کارگران وعده داده شده بود که دستمزدهای معوقه آنان در ۱۰ تیر پرداخت خواهد شد، اما این وعده عملی نشد. در تقابل با این وضعیت کارگران راه آهن زاگرس و تبریز اعتراضاتی را شروع کرده و اعلام کرده اند که به اعتراضات خود در نقاط مختلف کشور ادامه میدهند.

### فراخوان بازنشستگان به تجمع سراسری

بازنشستگان برای پیگیری خواستههایشان فراخوان داده اند که ساعت ۱۰ صبح روز ۳۱ تیر در مقابل مجلس اسلامی دست به تجمع خواهند زد. معلمان و پرستاران بازنشسته، کارکنان بازنشسته وزارت بهداشت و بخش های مختلف بازنشستگان کشوری و تامین اجتماعی با پوسترهایشان تحت عنوان "همه می آیم" در تدارک برگزاری این تجمع اعتراضی سراسری هستند.

### معلمان در نقاط مختلف کشور با آتش زدن فیش حقوقی خود دست به اعتراض میزنند

معلمان استان فارس در اعتراض به پایین بودن سطح حقوق ها و در ادامه تجمعات اعتراضی قبلی، روز ۲۴ تیرماه در مقابل اداره کل آموزش و پرورش در شیراز تجمع کرده و فیش های حقوقی خود را آتش زدند. این کمپین بصورت فراخوان های ویدیویی همراه با پاره کردن فیش های حقوقی در جریان است. يك موضوع مهم تجمع ۳۱ مرداد

مساله دستمزدهای نازل آنهاست. فراخوان کامیونداران به اعتصاب سراسری کامیونداران حمل و نقل جاده ای بدلیل پاسخ نگرافتن خواستههایشان از اول مرداد ماه اعلام اعتصاب سراسری کرده اند. رانندگان کامیون ها در خرداد امسال دست به اعتصاب سراسری در ۱۸۰ شهر زدند. اعتصابات قدرتمند کامیونداران، نقش مهمی در تقویت گفتمان اعتصابات سراسری و ممکن بودن آن در میان کارگران و کل جامعه داشته است. فروشندگان تلفن همراه با اعتصاب سراسری کامیونداران اعلام حمایت کرده اند.

### اعتراضات و خیزش سراسری علیه بی آبی و قطع برق

علاوه بر این در هفته های گذشته مردم در شهرهای مختلف علیه بی آبی و قطع مکرر برق دست به اعتراض زده و اعتراض هر روز شهرهای بیشتری را در بر میگیرد. اعتصابات و اعتراضات سراسری يك رکن مهم جنبش سرنگونی است که هرروز دامنه وسیعتری میگیرد و بخش های بیشتری از مردم را حول مسائل مختلف به میدان مبارزه میکشد. این افق جدیدی است که بروی مبارزات حق طلبانه مردم گشوده شده و اهمیت زیادی در پیشروی جنبش سرنگونی دارد. با تمام قوا باید آترو وسعت داد.

### پیش به سوی اعتصابات و اعتراضات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۵ تیر ۱۳۹۷، ۱۶ ژوئیه ۲۰۱۸

## در نقد سناریوهای پست مدرنیستی ...

از صفحه ۵

نمیکنند، بلکه نهادینه و ساختاری میکنند. در مقابل تقدس تمامیت ارضی بورژوازی فارس و سرکوب هر اعتراضی به تبعیضات و ستمهای ملی با لوی تجزیه طلبی و به خطر انداختن یکپارچگی ایران، باید تابوی استقلال و جدائی را شکست. باید هر جا و در هر منطقه ای که مساله ملی وجود دارد- در ایران امروز تنها کردستان داری چنین شرایطی است- در يك شرایط آزاد و دموکراتیک فراندوم برگزار شود و چنانچه مردم آن منطقه به جدائی رای دهند رای مردم به رسمیت شناخته بشود. پاسخ ناسیونالیسم بالادست با چماق دفاع از تمامیت ارضی اش، فدرالیسم و طرحهای حکومت موزائیکی نیست، برسمیت شناسی حق جدائی است.

کمونیسم کارگری برای حل مساله کرد خواهان برگزاری فراندوم در يك شرایط آزاد است و اعلام میکند نتیجه این فراندوم را هر چه باشد برسمیت خواهد شناخت و با هر نوع اعمال قهر و یورش نظامی علیه مردم خواهان جدائی قویا مخالفت خواهد کرد. در عین حال ما در شرایط حاضر همزیستی مردم کردستان با بقیه مردم ایران را توصیه نمیکنیم. بطور عینی و واقعی همدردی و همزومی و همسرنوشتی توده مردم کردستان با مردم بقیه ایران بیشتر و عمیقتر از آنست که رهائی و آزادیشان در گرو جدائی از ایران باشد. آینده مردم کردستان ایران را نه تحرکات و صفتبندیهای ناسیونالیستی در منطقه، بلکه انقلاب سراسری مردم ایران برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی رقم خواهد زد. تجربه کردستان عراق و مبارزات کارگری و مدنی در شهرهای کردستان ایران بروشنی نشان میدهد که راه رهائی کارگر و زحمتکش کردستان همانند مردم بقیه ایران، نه از سناریوهای موزائیکی که نیروهای نظیر شورای دموکراسی خواهان بدنال و مبلغ آنست، بلکه از همزومی و همسرنوشتی و مبارزه متحد همه مردم ایران میگردد. در انقلاب ۵۷ این را بروشنی مشاهده کردیم و در انقلابی که در پیش است مسلما بیش از گذشته شاهد مبارزه همبسته مردم در کل ایران خواهیم بود. کمونیسم کارگری این را تضمین میکند.



خانواده و نزدیکان اقبال مرادی، این ترور جنایتکارانه را به شدت محکوم می کند. اصلی ترور و قتل اقبال مرادی است.

پیش از این عوامل جمهوری اسلامی در این منطقه دو مبارز دیگر را به قتل رسانده بودند که از سوی دادگاهی در سلیمانیه محکوم

## در محکومیت ترور فعال سیاسی اقبال مرادی

لقمان او به یکی از چهره شناخته شده علیه اعدام تبدیل شده بود.

اقبال مرادی پیش از این در سال ۱۳۸۷ در حوالی پنجوین هدف حمله تروریستی قرار گرفت و پس از زخمی شدن و انتقال به موقع به بیمارستان از مرگ نجات یافت.

کمیته بین المللی علیه اعدام ضمن تسلیت و ابراز همدردی با

کشف شده بر پیکر بی جان اقبال مرادی گواه آن است که او با شلیک هفت گلوله به قتل رسیده است.

اقبال مرادی پدر زندانی سیاسی محکوم به اعدام زانیار مرادی و عموی لقمان مرادی زندانی سیاسی دیگر محکوم به اعدام و یکی از فعالین سیاسی سرشناس علیه جمهوری اسلامی بود. به دلیل فعالیتهايش برای آزادی زانیار و

اقبال مرادی پدر زانیار مرادی و عموی لقمان مرادی زندانیان سیاسی محکوم به اعدام مورد سوء قصد تروریستی قرار گرفته و متأسفانه جان خود را از دست داده است. بنا به اخبار منتشر شده وی در پنجوین در کردستان عراق روده شد و پس از ساعاتی پیکر بی جان وی در رودخانه این شهر یافت شد. به گفته شاهدان عینی آثار

### انترناسیونال

### نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

کمیته بین المللی علیه اعدام

۲۷ تیرماه ۱۳۹۷-

۱۷ جولای ۲۰۱۸